

درباره طبیعت و کاشت درختان و گیاهان چه سفارش‌هایی دارید؟

از جمله چیزهایی که «پاداش آن پس از مرگ هم دوام دارد، کندن نهر آب، حفر چاه و کاشت درخت است».

درباره درختان، براین باورم که «هر کس درختی بنشانند، خداوند به اندازه میوه‌ای که از آن درخت به دست می‌آید، پیرایش پاداش ثبت می‌کند». درخت‌کاری به اندازه‌ای نیکوست که «اگر رستخیز به‌پا شد در حالی که نهالی در دست یکی از شما قرار باشد، چنان‌چه می‌تواند آن را بکارد، باید بکارد».

گل و گیاه را نیز دوست دارم و بهترین گل‌ها، گل سرخ است. سفارش می‌کنم «هر گاه به یکی از شما گلی دادند، آن را ببوید و بر چشمانش بگذارند که آن، از بهشت است».

درباره حیوانات چطور؟ آیا آنها هم دارای حقوقی هستند؟

بله، حیوانات نیز حقوق ویژه‌ای دارند. برای مثال، حیواناتی که مورد بهره‌برداری انسان‌ها هستند و بارکش آنها، شش حق به گردن صاحب خود دارد: هرگاه از آن پیاده شد، علفش دهد، هر گاه از آبی گذشت، آبش دهد، بی‌دلیل آن را نزند، بیش‌تر از قدرتش آن را بار نکند، بیش‌تر از توانش آن را راه نبرد و زیاد به روی آن ننشیند. «به صورت حیوانات سیلی نزنید؛ زیرا آنها حمد و تسبیح خدا می‌گویند» «چه بسا مرکبی که از سوارش بهتر است و بیش‌تر از او خدا را اطاعت و یاد می‌کند».

هشدار داده‌ام که «هر حیوان و پرنده اگر به‌ناحق کشته شود، روز قیامت با قاتل خود ستیز می‌کند» حتی ممکن است انسان به خاطر آزار دادن حیوانات، به عذاب الهی مبتلا شود. یادم هست که دیدم «زنی به جهنم می‌رفت، برای آن که گربه‌ای را بسته بود و چیزی به او نمی‌داد و نمی‌گذاشت از زمین چیزی بخورد تا این‌که مرده». بار دیگری بود که دیدم زانوهای ماده شتری بسته شده و بارش همچنان بر دوشش بود، گفتم: «صاحب این شتر کجاست؟ به او بگویند خودش را برای دادخواهی در قیامت آماده کند».

بنابراین، هر کس رحم کند، ولو درباره سر بریدن بچه گنجشکی باشد، خدا در روز قیامت به او رحم می‌کند» به طور کلی شما را از کشتن حیوانات نهی می‌کنم؛ مگر آنکه آزار برسانند.

چه حیوانی را دوست دارید و آیا در خانه حیوانی هم نگه می‌دارید؟

خروس سفید را دوست می‌دارم و معتقدم او پاسبان صاحبش است و تا هفت خانه دیگر را هم نگهبانی می‌کند. یک جفت کبوتر سرخ نیز در خانه دارم.

آیا به‌هر که از نظر مالی به شما اظهار نیاز کند، کمک می‌کنید؟

هیچ‌وقت کسی را از خود نمی‌رانم، مگر این‌که چیزی نداشته باشم که آن‌وقت هم دعا می‌کنم و می‌گویم: «خدا برساند» حتی به‌افرادی هم که

مستحق نباشند، کمک می‌کنم تا مبادا نیازمند واقعی را رد کرده باشم. در هر صورت، جواب «نه» به هیچ نیازمندی نمی‌دهم.

اگر شما ثروتمند بودید و مثلاً اندازه کوه احد، طلا داشتید، آن را چه می‌کردید؟

آن‌چه مرا شاد می‌کرد این بود که قبل از سه روز، آن را انفاق کنم مگر اندکی که برای ترویج دین نگه دارم.

چگونه صدقه می‌دهید؟ یعنی حد و اندازه‌اش چه قدر است؟

توصیه می‌کنم در صدقه پیرو من باشید؛ به‌اندازه‌ای کوشا باشید که گمان کنید در دادن صدقه در طول سال، اسراف می‌کنید.

متأسفانه امروزه ملاک ارزشیابی افراد، ثروت و مقام آنهاست در این باره چه می‌فرمایید؟

من از همین می‌ترسیدم، حتی گفته بودم «از فقر بر شما نمی‌ترسم، بلکه می‌ترسم به کثرت اموال افتخار کنید».

برتری به مال و منال نیست. خداوند به من فرمود: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». من نیز همین اعتقاد را دارم و معتقدم کسی که ثروتمند را گرامی بدارد و بینوا را تحقیر کند، در آسمان‌ها دشمن خدا نامیده می‌شود. از نظر من ثروتمند و بینوا یکسانند و من همیشه برای بینوا و دولتمرد یکسان دعا کرده‌ام.

چقدر قرآن می‌خوانید؟

هیچ کاری مرا از تلاوت قرآن باز نمی‌دارد. وقتی قرآن می‌خوانم، آیه‌ها را جدا از هم و با صوت خوش تلاوت می‌کنم. در حال ایستاده هم قرآن می‌خوانم.

برای ما بفرمایید چه وقت‌ها بیش‌تر دعا می‌کنید؟ از خدا چه می‌خواهید و اصلاً چگونه دعا می‌کنید؟

«دعا سلاح مؤمن است» من در مواقع مختلف، دعا می‌کنم؛ مقابل آیین، هنگام سوار شدن بر مرکب، در مسافرت، برای پوشیدن لباس، برای ورود به مسجد یا خارج شدن از آن، سر سفره، برای دیدن و خوردن میوه، ورود به قبرستان، برای دفع شر دشمن و یا رفع ناراحتی ... حتی حین دستشویی رفتن و خوابیدن هم دعا می‌خوانم و می‌کوشم در هر حالی، به یاد خدا باشم و از او به‌دلیل نعمت‌هایی که داده است، تشکر کنم و بخواهم مرا بر بندگی خودش یاری کند، اما به طور کلی هنگام دعا، نشسته هستم و دستان خود را مانند شخص فقیری که غذا می‌خواهد، بلند می‌کنم.

چه ذکرهایی می‌گویید و کدام ذکر را بیش‌تر از همه؟

هر روز ۳۶۰ مرتبه، خدا را حمد می‌کنم و می‌گویم: «الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کل حال».

«جبرئیل به من فرمود: ای محمد در همه اوقات بگو الحمد لله رب العالمین».

مگر خداوند نفرموده است: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» حتی خود شما در جایی فرموده‌اید: «خدا را بخوانید و به اجابت آن یقین داشته باشید» می‌توانم بپرسم پس چرا گاهی دعایمان مستجاب نمی‌شود؟

قبول شدن هر کاری، مشروط به این است که موانع آن برداشته شده باشد. این‌که گاهی دعای ما مستجاب نمی‌شود به‌این دلیل است که موانع مختلفی سر راهمان قرار دارد. که البته آنها را خود ما ایجاد کرده‌ایم. مثلاً یکی از این موانع، غذای حرام است. «شخصی که لقمه حرام می‌خورد و به‌دعا دست بلند می‌کند، چگونه انتظار دارد که دعایش مستجاب شود» باید «درآمدها را پاک و حلال کرد تا دعاها مستجاب شود، زیرا هرگاه آدمی لقمه حرام به دهان خود ببرد تا چهل روز دعایی از او پذیرفته نمی‌شود».

مانع دیگر، غفلت و بی‌خبری است. «بدانید که خداوند دعایی را که از دلی غافل و بی‌خبر باشد، نمی‌پذیرد» از دیگر موانع استجاب دعا، نگفتن نام خدا در آغاز دعاست. «هر دعایی که با تمجید خدا آغاز نشود نافرجام است».

عدم شناختن خداوند، انجام گناه، درخواست کارهای ناشدنی و ناروا و ناسازگاری دعا با حکمت الهی، ظلم و ستم به بندگان، و... نیز از دیگر موانع استجاب دعا است.

پس با این همه شرایط، معلوم نیست دعاهای ما به استجابت برسد؟!

به‌هر حال، هر عبادتی ضابطه‌ای دارد. اما ناگفته نماند «پروردگار با حیا و بخشنده است و شرم دارد از این‌که بنده دست خواهش به سوی او بگشاید و او آن‌دست را خالی برگرداند». در هر حال باید از خدا خیر و صلاح خواست خداوند فرموده است: ای فرزند آدم، از فرمانی که به تو داده‌ام اطاعت کن و صلاح کار خود را به من نیاموز.

ادامه دارد

متن این گفت‌وگو برگرفته از سیره و احادیث نبوی است.

در محضر پیامبر

گفت و گویی صمیمانه با پیامبر اعظم
حضرت محمد صلی الله علیه و آله

هادی قطبی